



دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده الهیات

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: الهیات      گرایش: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

خودشناسی از دیدگاه شیخ اشراق و افلوطین

استاد راهنما

دکتر فروزان راسخی

دانشجو

نوشین نظیری خامنه

شهریور ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده الهیات

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: الهیات      گرایش: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

خودشناسی از دیدگاه شیخ اشراق و افلوطین

استاد راهنما

دکتر فروزان راسخی

استاد مشاور

دکتر نرگس نظر نژاد

دانشجو

نوشین نظیری خامنه

شهریور ۱۳۹۱

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به دانشگاه الزهراء (س) است.

## تقدیم

به حق متعال، خداوند بلند مرتبه ام

به واسطه‌های فیض خداوندی، چهارده معصوم گرانقدرم

به مادر، پدر و برادر عزیزم

و به شهباز آسمان فیلسوفان وطنم، صدرا متألّهین شیرازی.

## تشکر و تقدیر

خداوند متعال را شاکرم که توفیق و توانایی نگارش رساله ی حاضر را به بنده ی کوچک خود، اعطاء فرمودند. نیز از استاد راهنمای گرامی، سرکار خانم دکتر فروزان راسخی، کمال سپاس را دارم که به نحو مستمر و دقیق اینجانب را راهنمایی کردند و از استاد مشاور محترم، سرکار خانم دکتر نرگس نظرنژاد سپاسگزارم که در نگارش این رساله راهنمای من بودند و از مادر و پدر عزیزم کمال قدردانی را دارم که با فراهم کردن شرایط لازم مرا در به انجام رسیدن این رساله یاری کردند.

## چکیده

هرچند نخستین واقعیتی که آدمی با آن روبه رو می شود، "خود" اوست و چیزی نزدیکتر از "خود" آدمی به او نیست، اما به همان میزان که این واقعیت به او نزدیک است به همان میزان هم مغفول واقع می شود و گاهی برای برخی افراد تا آخر عمر، بررسی نشده باقی می ماند و فراموش می شود. درحالیکه "خودشناسی" به یکی از ارزشمندترین موضوعاتی می پردازد که بررسی آن می تواند، حیات هر انسانی را در جهت مثبت آن دگرگون سازد. با مراجعه به تاریخ فلسفه می توان به این امر پی برد که هر یک از فیلسوفان به نحوی به "خودشناسی" پرداخته اند. اما دو فیلسوفی که به نحو چند جانبه و دقیق، این امر را بررسی کرده اند، افلوطین و شیخ اشراق هستند. تحقیق حاضر به بررسی دیدگاههای این دو فیلسوف در مورد "خودشناسی" می پردازد و مواضع اختلاف و اشتراک آنها را بررسی می کند. تحقیق حاضر نشان می دهد که این دو متفکر علاوه بر بهره گیری از عناصر فلسفی، مؤلفه های عرفانی را نیز به کار برده اند و به بحث "خودشناسی" از دو جنبه ی نظری و عملی پرداخته اند. حتی می توان گفت که پرداختن به جنبه ی عملی موضوع مورد بحث در آثار این دو فیلسوف، برجسته تر است؛ در صورتی که فیلسوفان دیگر بیشتر جنبه ی نظری آن را مطرح کرده اند. همچنین این تحقیق درصدد برجسته کردن موضوع "خودشناسی" نیز هست تا به میزان بیشتر و به نحو جدی تر و چند جانبه، مورد توجه واقع شود. در این پژوهش از نفس با عنوان خود واقعی و از بدن با عنوان خود ظاهری، یاد شده است.

**واژگان کلیدی:** افلوطین، شیخ اشراق، خودشناسی، خود واقعی، خود ظاهری

## فهرست

### ۱- فصل اول: کلیات

۲.....مقدمه

۳..... ۱-۱ مسأله پژوهش و تبیین آن

۴..... ۲-۱ پرسش های فرعی پژوهش

۴..... ۳-۱ فرضیه های پژوهش

۴-۱ ضرورت پژوهش و اهداف

۴..... آن

۴..... ۱-۴-۱ ضرورت پژوهش

۲-۴-۱ اهداف

۵..... پژوهش

۵..... ۵-۱ پیشینه پژوهش

۶..... ۶-۱ پیشینه بحث

۱-۶-۱ فیلسوفان

۶..... یونان

۶..... ۱-۱-۶-۱ فیثاغورس



7.....۲-۱-۶-۱ امیدکلس

8.....۳-۱-۶-۱ سقراط

۴-۱-۶-۱

10.....افلاطون

۵-۱-۶-۱

10.....ارسطو

۱1.....۲-۶-۱ قرآن کریم

۱۲.....۳-۶-۱ روایات

۴-۶-۱ فیلسوفان

1۴.....مسلمان

1۴.....۱-۴-۶-۱ کندی

۱۴.....۲-۴-۶-۱ فارابی

۱۵.....۳-۴-۶-۱ ابن سینا

۱۵.....۴-۴-۶-۱ ابن طفیل

۱۶.....۵-۴-۶-۱ ابن رشد

۵-۶-۱ عارفان

16.....مسلمان

16.....مصری

16.....۲-۵-۶-۱ سهل ابن عبدا...تستری

۱۷.....۳-۵-۶-۱ حلاج

۱۷.....۴-۵-۶-۱ بایزید بسطامی

۱۸.....۵-۵-۶-۱ خرقانی

۱۸.....۶-۵-۶-۱ عین القضاة همدانی

## ۲- فصل دوم: خودشناسی از دیدگاه افلوپین

۲۱.....۱-۲ شرح حال افلوپین

۲۳.....۲-۲ نظام فلسفی افلوپین

۲۳.....۱-۲-۲ اوضاع فکری

۲۳.....۲-۲-۲ طرح کلی نظام فلسفی افلوپین

۲۶.....۳-۲-۲ عناصر برجسته در نظام فلسفی افلوپین

۲۶.....۱-۳-۲-۲ واحد

۲۷.....۲-۳-۲-۲ عقل

۲۷.....۳-۳-۲-۲ روح

- ۲۸..... ۴-۳-۲-۲ طبیعت
- ۲۸..... ۵-۳-۲-۲ ماده
- ۲۹..... ۴-۲-۲ فلسفه اخلاق افلوپین
- ۲۹..... ۵-۲-۲ تأثیر و نفوذ اندیشه های افلوپین
- ۳۰..... ۶-۲-۲ اهمیت خودشناسی در فلسفه افلوپین
- ۳۰..... ۳-۲ ایضاح مفهومی خودشناسی از منظر افلوپین
- ۳۱..... ۱-۳-۲ منظور از خود در خودشناسی از دیدگاه افلوپین
- ۳۱..... ۱-۳-۲-۱ خود واقعی
- ۳۳..... ۲-۳-۲-۱ خود ظاهری
- ۳۴..... ۳-۱-۳-۲ ویژگی های خود واقعی
- ۳۴..... ۱-۳-۲-۱-۳-۲ ازلیت و مراتب خود واقعی
- ۳۶..... ۲-۳-۱-۳-۲ انفعال ناپذیری خود واقعی
- ۳۷..... ۳-۳-۱-۳-۲ فعالیت خود واقعی
- ۳۷..... ۴-۱-۳-۲ ارتباط خود ظاهری و خود واقعی
- ۴۰..... ۵-۱-۳-۲ هبوط خود واقعی
- ۴۲..... ۶-۱-۳-۲ قوای نفس

- ۴۵.....۲-۳-۱-۷ روح جهان و ارواح فردی.....
- ۴۶.....۲-۳-۱-۸ مرگ خود ظاهری و جاودانگی خود واقعی.....
- ۴۷.....۲-۳-۲ منظور از شناخت در خودشناسی از نظر افلوطین.....
- ۴۹.....۲-۴ امکان خودشناسی از نظر افلوطین.....
- ۵۳.....۲-۵ مطلوبیت خودشناسی از نظر افلوطین.....
- ۵۴.....۲-۵-۱ خودشناسی، مقدمه گریزناپذیر خداشناسی.....
- ۵۷.....۲-۵-۲ خودشناسی، مقدمه گریزناپذیر جهان شناسی.....
- ۵۸.....۲-۵-۳ خودشناسی، شرط لازم اخلاقی زیستن.....
- ۶۱.....۲-۵-۴ دیگر نتایج مترتب بر خودشناسی.....
- ۶۸.....۲-۶ راه های خودشناسی از نظر افلوطین.....
- ۶۸.....۲-۶-۱ راه های انفسی خودشناسی.....
- ۷۱.....۲-۶-۲ راه های آفاقی خودشناسی.....
- ۷۳.....۲-۶-۳ روش دیالکتیک.....
- ۷۳.....۲-۶-۴ شناخت خویش با توسل به عشق.....
- ۷۴.....۲-۷ پایان پذیری یا پایان ناپذیری خودشناسی از نظر افلوطین.....

### ۳- فصل سوم: خودشناسی از دیدگاه شیخ اشراق

- ۱-۳ شرح حال شیخ اشراق.....۷۶
- ۲-۳ نظام فلسفی شیخ اشراق.....۷۸
- ۱-۲-۳ اوضاع فکری.....۷۸
- ۲-۲-۳ منابع فکری سهروردی.....۸۰
- ۳-۲-۳ فلسفه شیخ اشراق.....۸۲
- ۱-۳-۲-۳ نور.....۸۲
- ۲-۳-۲-۳ جهان شناسی.....۸۳
- ۳-۳-۲-۳ نورالانوار.....۸۴
- ۴-۳-۲-۳ آفرینش بر اساس قاعده فیض و سلسله انوار.....۸۴
- ۵-۳-۲-۳ نور و ظلمت.....۸۶
- ۶-۳-۲-۳ اهمیت خودشناسی در فلسفه سهروردی.....۸۶
- ۳-۳ ایضاح مفهومی خودشناسی از منظر شیخ اشراق.....۸۷
- ۱-۳-۳ منظور از خود در خودشناسی از دیدگاه شیخ اشراق.....۸۷
- ۱-۱-۳-۳ خود واقعی.....۸۸
- ۲-۱-۳-۳ خود ظاهری.....۹۳
- ۳-۱-۳-۳ ویژگی های خود واقعی.....۹۵

- ۹۵.....۱-۳-۱-۳-۳ خود واقعی، قابل اشاره حسی نیست.....
- ۹۵.....۲-۳-۱-۳-۳ عدم ازلیت خود واقعی.....
- ۹۷.....۳-۳-۱-۳-۳ مراتب خود واقعی.....
- ۹۸.....۴-۳-۱-۳-۳ آفریننده خود واقعی.....
- ۹۹.....۵-۳-۱-۳-۳ تفاوت نفوس فردی با یکدیگر.....
- ۹۹.....۶-۳-۱-۳-۳ جاودانگی خود واقعی.....
- ۱۰۰.....۷-۳-۱-۳-۳ قوای نفس.....
- ۱۰۶.....۱-۷-۳-۱-۳-۳ اشاره به قوای نفس در داستانهای رمزی.....
- ۱۰۹.....۸-۳-۱-۳-۳ روح حیوانی، واسطه میان خود ظاهری و خود واقعی.....
- ۱۱۰.....۴-۱-۳-۳ ارتباط خود ظاهری و خود واقعی.....
- ۱۱۳.....۲-۳-۳ منظور از شناخت در خودشناسی از نظر شیخ اشراق.....
- ۱۱۴.....۱-۲-۳-۳ چگونگی شناخت خویش.....
- ۱۱۸.....۲-۲-۳-۳ تقسیم بندی حقیقت بر اساس ادراک و عدم ادراک خویش.....
- ۱۱۹.....۳-۲-۳-۳ اهمیت مسأله شناخت در روش اشراق.....
- ۱۲۰.....۴-۳ امکان خودشناسی از نظر شیخ اشراق.....
- ۱۲۳.....۵-۳ مطلوبیت خودشناسی از نظر شیخ اشراق.....

- ۱۲۵.....۱-۵-۳ خودشناسی، مقدمه گریزناپذیر خداشناسی
- ۱۳۲.....۲-۵-۳ خودشناسی، مقدمه جهان شناسی و شناخت انسانهای دیگر
- ۱۳۵.....۳-۵-۳ خودشناسی، شرط لازم اخلاقی زیستن
- ۱۳۸.....۴-۵-۳ دیگر نتایج مترتب بر خودشناسی
- ۱۴۲.....۶-۳ راه های خودشناسی از نظر شیخ اشراق
- ۱۴۶.....۷-۳ پایان پذیری یا پایان ناپذیری خودشناسی از نظر شیخ اشراق

#### ۴- فصل چهارم: مقایسه دیدگاه افلوطین و شیخ اشراق

- ۱۴۹.....۱-۴ شباهتها و تفاوتهای افلوطین و شیخ اشراق در نظام فلسفی
- ۱۴۹.....۱-۱-۴ روش علمی
- ۱۵۰.....۲-۱-۴ منابع فکری
- ۱۵۱.....۳-۱-۴ نظام کلی فلسفی
- ۱۵۱.....۴-۱-۴ توجه ویژه دو فیلسوف به بحث خودشناسی
- ۱۵۲.....۲-۴ نقاط اشتراک و افتراق دو متفکر در بحث خودشناسی
- ۱۵۲.....۱۱-۲-۴ ایضاح مفهومی خودشناسی
- ۱۵۲.....۱-۲-۴-۱-۱-۱ مراد از خود در خودشناسی
- ۱۵۲.....۱-۲-۴-۱-۱-۱ خود واقعی

- ۱۵۴.....۲-۱-۱-۲-۴ خود ظاهری.....
- ۱۵۵.....۳-۱-۱-۲-۴ ازلیت خود واقعی.....
- ۱۵۵.....۴-۱-۱-۲-۴ آفریننده خود واقعی.....
- ۱۵۶.....۵-۱-۱-۲-۴ مراتب خود واقعی.....
- ۱۵۶.....۶-۱-۱-۲-۴ تفاوت نفوس فردی با یکدیگر.....
- ۱۵۷.....۷-۱-۱-۲-۴ ابدیت خود واقعی و مرگ خود ظاهری.....
- ۱۵۸.....۸-۱-۱-۲-۴ قوای نفس.....
- ۱۶۰.....۹-۱-۱-۲-۴ روح حیوانی.....
- ۱۶۰.....۱۰-۱-۱-۲-۴ علت هبوط خود واقعی.....
- ۱۶۱.....۱۱-۱-۱-۲-۴ ارتباط خود واقعی و خود ظاهری.....
- ۱۶۲.....۲-۱-۲-۴ منظور از شناخت در خودشناسی.....
- ۱۶۴.....۳-۴ امکان خودشناسی.....
- ۱۶۵.....۴-۴ مطلوبیت خودشناسی.....
- ۱۶۶.....۱-۴-۴ خودشناسی، مقدمه گریزناپذیر خداشناسی.....
- ۱۶۸.....۲-۴-۴ خودشناسی، مقدمه گریزناپذیر جهان شناسی و انسان شناسی.....
- ۱۶۹.....۳-۴-۴ خودشناسی، شرط لازم اخلاقی زیستن.....



- ۱۷۲.....۴-۴-۴ دیگر نتایج مترتب بر خودشناسی
- ۱۷۶.....۴-۵ راه های خودشناسی
- ۱۷۸.....۴-۶ پایان پذیری یا پایان ناپذیری خودشناسی
- ۱۷۸.....۴-۷ استفاده روانشناختی و جامعه شناختی از بحث افلوپین
- ۱۸۴.....۴-۸ استفاده روانشناختی و جامعه شناختی از بحث شیخ اشراق
- ۱۸۵.....فهرست منابع و مآخذ



فصل اول

کلیات

## مقدمه

"خودشناسی" را می‌توان یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای بشر دانست که ادیان مختلف بر آن تأکید کرده‌اند و در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله فلسفه، اخلاق، عرفان و... بدان پرداخته شده است. این مساله در طی قرن‌های متمادی، مورد تأکید بزرگان ادیان و عالمان علوم ذکر شده بوده است.

در علم فلسفه، هریک از بزرگان این علم به نحوی به مسأله‌ی "خودشناسی" پرداخته‌اند. برخی، تنها جنبه‌ی فلسفی صرف آن را، که همان علم النفس یا خودشناسی فلسفی است، مورد نظر قرار داده‌اند؛ اما برخی از فیلسوفان به طور چندجانبه و از چند جهت - فلسفی، اخلاقی و عرفانی - آن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

شیخ اشراق و افلوپین از معدود متفکرانی هستند که به نحو جدی "خودشناسی" چندجانبه را در آثار خود مطرح کرده‌اند؛ به طوری که شیخ اشراق، فهم حکمت اشراق خود را مبتنی بر شناخت خویش دانسته است.

با توجه به اینکه این دو فیلسوف در جای‌جای مصنفات و رسالات خود به "خودشناسی"